

مروری بر ترجمه‌های کهن فارسی از کلام الله مجید

گنجینه‌ای در دل تاریخ



ترجمه، در طول تاریخ، یکی از عوامل اصلی انتقال فرهنگ از جامعه‌ای به جامعه دیگر بوده و این مساله در زبان و فرهنگ فارسی نیز تحقق یافته است. بعد از ورود اسلام به ایران، دین جدید از سوی ایرانیان مورد توجه قرار گرفت و در این میان قرآن کریم، به عنوان مهمترین اثر و معجزه جاوید پیامبر اسلام، در مرکز توجهات جای گرفت.

به محض آنکه ایرانیان این توان را یافتند تا قرآن را از زبان عربی به زبان فارسی بازگردانند، اقدام به انجام این کار نمودند، چرا که آنان به شدت علاقه‌مند بودند تا دریابند این دین جدید چه مسائلی را مطرح کرده و نگاه و نظرش نسبت به بسیاری از موضوعات چیست. به این ترتیب، به طور قطع از همان قرون اولیه ترجمه‌هایی بر روی قرآن انجام گرفته، هر چند که در حال حاضر کمتر اثری از آن روزگاران به یادگار مانده است.

گزارش حاضر سعی کرده است تا به معرفی و شناسایی بعضی از این آثار بپردازد. لازم به اشاره است اثری که در این گزارش آمده‌اند، تنها نمونه‌هایی از ترجمه‌های باقی مانده از دوران کهن می‌باشند و بسیاری از ترجمه‌های کهن دیگر هم وجود دارند که به دلیل عدم دسترسی به آنها، موفق به معرفی‌شان نشدیم. همچنین لازم می‌دانم از جناب آقای دکتر علی رواقی که امکان دستیابی به این مجموعه نفیس قرآن را فراهم ساختند، قدردانی و تشکر نمایم.

۱- ترجمه تفسیر طبری:

این ترجمه اثری است در بردارنده یک دوره ترجمه آیات قرآن و برخی قصص و شان نزول آنها و دیگر مطالبی که به عادت تفسیرنگاران قدیم در تفسیرنامه‌ها درج می‌شده است. این تفسیر از دوران حکومت منصور بن نوح سامانی (۳۵۰-۳۶۶ ه.ق) بر جای مانده و از ارزنده‌ترین و قدیمی‌ترین نثرهای فارسی دری به شمار می‌آید. بنابر آنچه در مقدمه آن آمده است امیرسامانی از علمای ماوراءالنهر راجع به جواز ترجمه تفسیر طبری استفتاء می‌کند آنها هم خواندن و نوشتن تفسیر قرآن به پارسی را برای کسی که زبان عربی نمی‌داند، روا می‌شمارند. هر چند که این تفسیر در حقیقت ترجمه تفسیر طبری نبوده و ترجمه‌ای مستقل از آن به شمار می‌آید اما احتمالاً استفتاء امیرسامانی به منظور رسمیت بخشیدن برای ارائه یک ترجمه رسمی و دیوانی از قرآن، در زمانی که علمای اهل سنت ترجمه قرآن را جایز نمی‌دانستند، صورت گرفته است. از این اثر، دست‌نوشته‌های گوناگونی به دست آمده است. این که آیا در دستگاه سامانی چند تحریر انجام گرفته و یا ناهمسانی تحریرها بعداً ایجاد شده‌اند، به روشنی مشخص نیست، ولی آنچه روشن است، آن است که همه این تحریرها، کهن بوده و از ارزش ادبی بالایی برخوردارند. همچنین ناهمسانی‌های این آثار در قسمت قصص و تفسیر بسیار کمتر از قسمت ترجمه آیات است و این شاید بدان جهت بوده که سنجش عبارات فارسی با نص قرآن در این قسمت‌ها آسانتر بوده است. این ترجمه که در بسیاری از متون با عنوان ترجمه و تفسیر رسمی از آن یاد می‌شود، یک متن ادبی قابل توجه از نظر واژه پژوهان، ادیبان و زبان‌شناسان به حساب می‌آید و از منظر برابرسازی واژگان قرآنی و واژه‌سازی و واژه‌گزینی، گنجینه‌ای ارزشمند و فرهنگ آفرین در قلمروی زبان فارسی به شمار می‌آید.

نمونه ترجمه:

سوره هدید آیات ۱ تا ۶

به نام خدای بخشاینده مهربان

تسبیح کرد خدای را آنچه اندر آسمانها و زمین است و اوست بی‌همتا و با حکمت (۱)
اوراست پادشاهی آسمانها و زمین، زنده گرداند و بمیراند و اوست بر همه چیزی توانا (۲)

و اوست اول و آخر و آشکار و پنهان و اوست به همه چیزی دانا (۳)

اوست آنک آفرید آسمانها و زمین اندر شش روز، پس استوی کرد بر عرش می‌داند آنچه اندر زمین و آنچه بیرون آید از آن، و آنچه فرود آید از آسمان و آنچه بر شود اندر آن، و او با شماست هر کجا باشید و خدای عزوجل بدانچه می‌کنید بیناست (۴)

اوست پادشاه آسمانها و زمین و سوی خدا بازگردد کارها (۵)

واندر آرد شب اندر روز، اندر آرد روز اندر شب، و او داناست بخداوند دلها (۶)

۲- پلی میان شعر هجایی و عروضی فارسی:

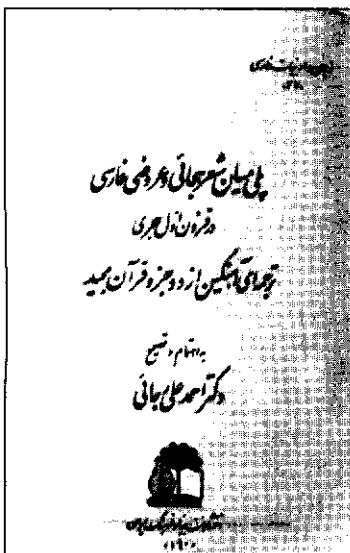
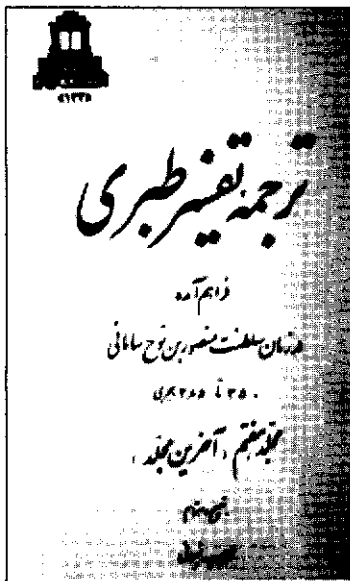
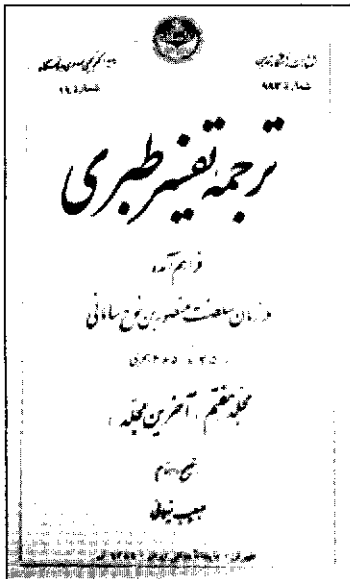
این ترجمه، ترجمه‌ای است آهنگین از دو جزء قرآن. گروهی این ترجمه را اثری از سده ۴ یا ۵ هجری قمری می‌دانند. هر چند که عده‌ای دیگر آن را از جمله ترجمه‌های باقی‌مانده از قرن اول به شمار آورده‌اند اگر نظر اول را بپذیریم می‌توانیم بگوییم که تقریباً همه انواع گوناگون ترجمه در همان دو قرن چهارم و پنجم پدیدار شده‌اند و این خود دلیلی است بر ترجمه دیرپای ایرانیان در این زمینه. در طیف وسیع ترجمه، سه گونه را می‌توان باز شناخت:

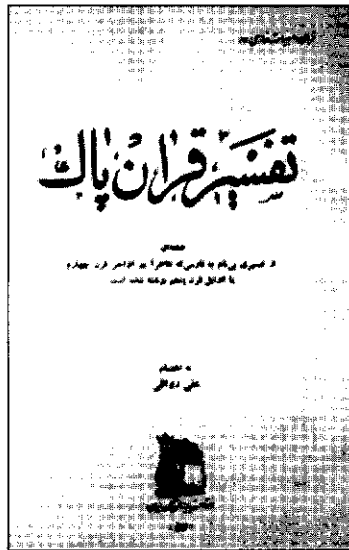
الف - ترجمه لفظ به لفظ که در آن ساختار زبان فارسی جلوه‌ای ندارد و کار مترجم تنها معادل‌یابی صرف است.

ب - ترجمه‌ای که ساختمان نحوی زبان مقصد مورد توجه مترجم است.

ج - ترجمه آزاد که در آن مترجم بیش از هر چیزی به توازن صوتی و تعادل آهنگین متن اصلی قرآن با زبان فارسی می‌اندیشد و از کم و بیش کردن معنای دقیق آیات، باکی ندارد.

بی‌گمان عالی‌ترین نمونه این نوع ترجمه (نوع سوم) و ترجمه‌ای است که تحت عنوان پلی میان شعر هجایی و عروضی، به چاپ رسیده است. در این ترجمه، نوع کلمات عربی و شیوه به کار بردن آنها به گونه‌ای است که نشان‌دهنده علاقه مترجم به بکارگیری واژه‌های عاریتی عربی است. آزادی نسبی مترجم در انتخاب ساختارهای نحوی و عدم پایبندی او به معادل‌های دقیق، موجب شده است تا بتوانیم میزان تأثیرپذیری او را از ترجمه‌های دیگر، دریابیم. وجود برخی کلمات مشابه نیز راهگشا نیست، زیرا این کلمات به هر حال میان نویسندگان خراسان بزرگ متداول بوده است و به این لحاظ ممکن است که در همه کتابها تکرار شده باشد. متأسفانه از این کتاب، جز بخشی کوچک، یعنی از سوره ۱۰ (یونس) تا سوره ۱۴ (ابراهم)، باقی نمانده است.





نمونه ترجمه :

سوره رعد آیات ۱ تا ۳

جدا و کن میان سورت

المر، مراسم ملکوت

آیات کتاب در هر دو حجت

این نامه حق بر حقیقت

و آن نیست مگر حماقت

بهش نگری تا هیچ ستون هست

این استقرار از اوصاف عرشست

منازلشان را نام بردست

چنانک کار پیش تقدیر کردست

وان زحلال جدا بگردست

اقرار دهی چنان که گفتست

کوههای بلند در وهم او کرد

از هر مویی چه سرخ و چه زرد

اندک و بسیار تقدیر او کرد

در آن آیات است

بنام خدای مالک ملکوت
این را پس از آن زماست رحمت
بتو فرستادند از خداوندت
بیشتر مردمان می‌نگروند
آسمانها را بی‌ستون برداشت
پس راست بکرد آسمان بر عرش
این شمس و قمر مستخراند
تدبیر کند فرمانها را
جدا بکند منهی زمامور
تا تجزایش قطع بگردید
بساط زمین هم او بگسترد
جویهای روان هم او پدید آورد
تروش و شیرین، از خشک و زتر
شب را بر روز آورد
آن را که تفکر کرد

۳- تفسیر قرآن پاک:

این کتاب، بی شک یکی از زیباترین و کهن‌ترین آثار است که از زبان فارسی به دست ما رسیده است. استاد مجتبی مینوی آن را متعلق به اواخر قرن چهارم یا اوائل قرن پنجم هجری می‌داند. محل ترجمه را هم مشرق فلات ایران، از خراسان تا غزنین، فرض کرده است. حتی نسخه کتاب هم بسیار کهن است. خصوصیات خط و سبک تحریر و املائی کلمات نشان می‌دهد که دیرتر از سال ۴۵۰ هجری نوشته نشده است. این کتاب نیز، مانند بیشتر ترجمه‌ها، از شرق ایران برخاسته و به همین دلیل با دیگر ترجمه‌ها در محدوده واژگانی - گویشی تقریباً یگانگی دارد. ترجمه‌ای که در تفسیر پاک از آیات قرآن می‌بینیم، نسبت به تفسیر طبری، اندکی به فارسی روان معمول در سده ۵ نزدیکتر است. در نثر اصلی مولف یعنی آنجا که ترجمه از جمله‌های عربی نیست، گاه ملاحظه می‌شود که مترجم در چندین عبارت پی‌درپی، فاعل + مفعول + قید + فعل، یعنی آنچه را که در فارسی معاصر نیز رایج است، به کار گرفته است. گاه نیز ملاحظه می‌شود که نویسنده ترجیح داده تا قیدها، ترکیبهای قیدی یا متعلقات مفعول را در آخر جمله قرار دهد، هرچند که در بعضی جاها نیز مفعول را در پایان جمله آورده و موجب ثقیل شدن ترجمه شده است. اما مترجم در این کتاب، هر جا به ترجمه آیه می‌رسد، به شدت مراعات ترتیب الفاظ قرآن را می‌نماید و سیاق معمول خود در فارسی نویسی را به فراموشی می‌سپارد.

نمونه ترجمه :

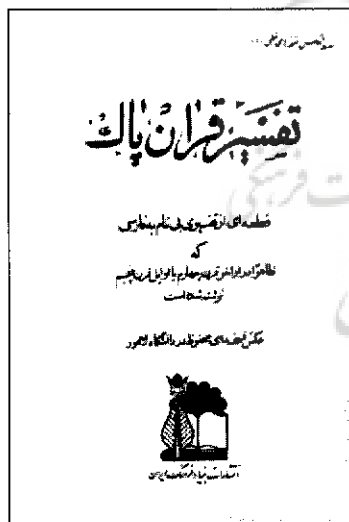
سوره بقره آیات ۶۷ و ۶۸ (و اذ قال موسی...)

گفت یاد کن که موسی مرگروه خود را چه گفت. گفت خداوند تعالی مر شما را فرموده است تا گاوی بسمل کنید. گفتند یا موسی بر ما فسوس می‌کنی؟ موسی گفت علیه‌السلام برگسست بادا، و آن روز مبدا که من از جمله‌ی جاهلان باشم (۶۷)

آن وقت گفتند یا موسی بپرس از بهر ما مر خداوند خود را تعالی تا پدید کند ما را که چه گاوست این؟ گفت موسی علیه‌السلام خداوند من چنین گفت: این گاوی است نه پیر پیر است و نه جوان جوان، میانه گاوی است. گفت فرمان به جای آرید بدانچنان فرموده شد (۶۸)

۴- بخشی از تفسیری کهن به پارسی :

این کتاب ارجمند را، مرحوم مینوی، متعلق به قبل از سال ۴۰۰ هجری می‌داند و حتی نظر به شیوه نگارش، نسخه موجود را هم از همین دوران می‌پندارد. با این همه به سبب کثرت کلمات عربی، شاید بتوان آن را ۵۰ یا ۱۰۰ سال متاخرتر دانست. در سراسر کتاب آثار کهنگی و نیز گویش مولف آشکار است. در زیر آیات قرآنی، به خطی تازه‌تر، شاید متعلق به یکی دو سده بعد ترجمه دیگری از آن آیات آمده است. این کتاب نیز چون از خراسان برخاسته به این دلیل با ترجمه قرآن در کتاب تفسیر طبری، تشابهاتی دارد اما به طور کلی، این کتاب از نظر واژگان و ترکیب عبارات، به تفسیر پاک نزدیکتر است. متأسفانه از این کتاب، جز قسمتی کوچک از تفسیر و ترجمه برخی از آیات، چیزی باقی نمانده است. شیوه ترجمه این کتاب، شیوه‌ای خاص است. بدین معنی که مولف گویی صریحاً قصد



ترجمه قرآن را نداشته، بلکه می‌خواسته است تا تک تک آیات را برای فارسی‌زبانان شرح دهد. این شرح که به اراده مولف می‌باید مختصر و فشرده باشد، ناچار شامل نوعی ترجمه نیز می‌گردد که ما آن را از دل شرح بیرون می‌کشیم. از آنجا که مترجم به هیچ عنوان در بند ترجمه دقیق آیات نبوده و معانی قرآنی را به میل و اراده خود در عباراتی آزاد بیان می‌کرده است، لذا تصور می‌شود که می‌توانسته است در کار جمله‌سازی از ساختار طبیعی و معمول زبان فارسی در سده‌های ۴ و ۵ هجری پیروی نماید. اما در عمل این گونه نشده و این ترجمه به شدت تحت تاثیر قالب‌های زبان مبداء قرار دارد، با این همه جمله‌هایی که به نظر ما روان و طبیعی می‌آیند هم در این کتاب به وفور می‌توان مشاهده کرد.

نمونه ترجمه:

سوره رعد آیات ۱ تا ۳:

المر، این حروف آیات و سخنان آن نامه است که خدای فرستاد و آنج فرو فرستاده آمد بتو از خدای تو راست لکن بیشتر مردمان بنمی کورخند(۱)

الله اوست که برداشت هفت آسمان را بی‌ستون آنک آسمان را بی‌ستون برداشته می‌بینید، آنکه بس مستوی شد بر عرش و نرم کرد و روان و فرمان بردار آفتاب و ماه را تا هر دو می‌روند هنگام نام زد کرده را، نام زد کرده خاستن رستاخیز را، کار می‌کرداند و می‌رواند و بیش می‌برد و نشانها هویذا می‌کند و بیغامها کشاده می‌رساند تا مگر شما برستاخیز و دینار خداوند خویش کورخین را بکورخید(۲)

او آن کس است که زمین را بر روی آب بهن باز کشید و کوهها بلند در آن لنگر کرد و جویها ساخت روان و از هر میوه در آن جفت جفت، جفت خوار و جفت رنگ، شب تاریک در سر روز روشن می‌کشد در آن نشانها بیذاست هستی و یکتایی و دانایی او را ایشانرا که در اندیشند و در فکرنند(۳)

۵- تفسیر قرآن مجید (قرآن کمبریج):

این کتاب یکی از زیباترین آثار نثر فارسی کهن است که تاریخ تالیف آن، به عقیده جلال متینی، از نیمه اول قرن ۵ هجری تجاوز نمی‌کند. تشابه فراوان، خواه در شیوه نگارش و خواه در واژگان، میان این کتاب و دیگر آثار حوزه خراسان در قرون ۴ و ۵ ه نظر این محقق را تایید می‌کند. شیوه ترجمه و تفسیر آن با ترجمه تفسیر طبری تفاوت‌های فراوانی دارد. وقتی به روش کار و شیوه واژه‌گزینی این مترجم نگاه می‌کنیم، احساس می‌کنیم که مولف کوشیده است مستقلاً دست به واژه‌گزینی بزند یا به تفاسیر مورد نظر خود استناد کند و سعی کرده از ترجمه تفسیر طبری خود را مجزا سازد هر چند که بعید است به این ترجمه که عمده‌ترین ترجمه پیش از خود بوده اعتنایی نکرده باشد. با این حال، فضای عمومی نثر کتاب با آنچه از نثر کهن خراسانی می‌شناسیم، تفاوت چندانی ندارد و حتی برخی از قطعات مفصل کتاب به دلیل ترجمه آزاد مولف به آثار شیوای قرن ۵ نزدیک شده است. شیوه کار مترجم در این کتاب شبیه روش ترجمه کتاب «پاک» است یعنی تفسیر و ترجمه آیات درهم آمیخته آنچنان که گاهی گمان می‌رود مترجم قصد ترجمه نداشته و تنها هنگام تفسیر ناچار شده است آیات را ترجمه کند و از کلمات مترادف سود جوید. به این ترتیب به نظر می‌رسد که مترجم باید به آسانی از قید ساختارهای نحوی کتاب مقدس (قرآن) در می‌گنشت و ترجمه‌ای آزاد ارائه می‌داد ولی در عمل چنین نیست و مولف در بیشتر تفسیرهای آمیخته با ترجمه گرفتار نحو عربی مانده است. اگر چه می‌توان گفت میزان عبارات روان فارسی در این کتاب نه تنها از ترجمه تفسیر طبری، که از ترجمه کتاب پاک هم بیشتر است. ترجمه کمبریج در اصل چهار جلد بوده که در حال حاضر متأسفانه فقط جلد‌های سوم و چهارم آن موجودند. این دو جلد از کتاب نیز در حال حاضر در دانشگاه کمبریج است.

نمونه ترجمه:

سوره طه آیات ۱ تا ۶

ای راه نماینده مر خلق خدای را به توحید او(۱)

ما فرو نفرستادیم قرآن را بر تو از بهر آن تا تو رنجه گردی به خدمت بسیار و نماز بسیار(۲)

نفرستادیم این قرآن مگر از بهر آن تا پندی باشد و آن کس را که از خدای عزوجل بترسد(۳)

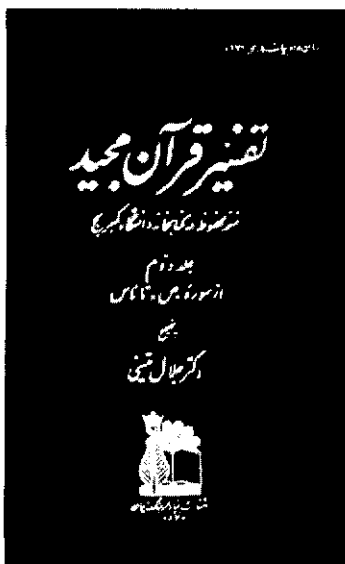
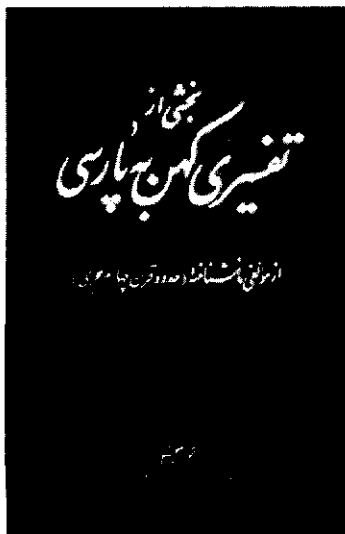
فرو فرستادیم آن قرآن را فرو فرستادنی پراکنده این قرآن از آن خدای است که زمین را او آفرید و آسمانها که برتر از زمین‌اند او آفرید(۴)

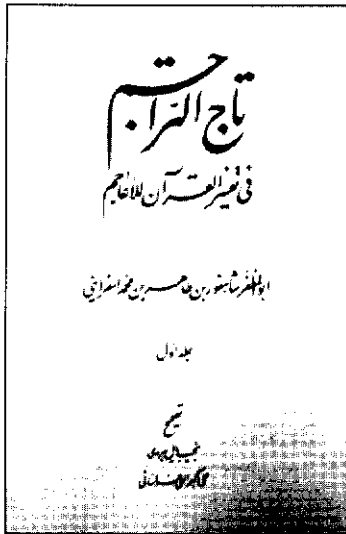
او رحمن است که روزی ده خلق است. عرش را او آفرید و توانایی آن داشت که عرش آفرید و اکنون عرش را نگاه می‌دارد به توانایی خویش(۵)

مروارست تدبیر آسمانها و زمین‌ها و آنچه زیر خاکست پوشیده(۶)

۶- تاج التراجم:

این ترجمه توسط ابوالمظفر شاهفور بن محمد اسفراینی، از عالمان قرن ۵ هجری تالیف شده است. نام کامل کتاب «تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم» است. این کتاب، دومین تفسیرنامه مورخ موجود قرآن در





زبان فارسی است و مولف آن را در میان سالهای ۴۵۱-۴۷۳ هجری در طوس نگاشته است. مترجم در این کتاب تلاش کرده تا با بیان شان نزول آیات هر سوره، رابطه معنایی جمیع و یا اغلب آیه‌های سوره را آشکار نماید. او همچنین در ترجمه عبارات قرآنی، به آراء و اقوال مفسران و نیز گزینش لغات مفهومی و روشن، عنایت خاصی داشته است. در این تفسیر از واژه‌های عربی بسیاری استفاده شده است، ولی این واژه‌ها، لغاتی هستند که در فارسی جای داشته‌اند. در آن از لغات نآشنا و نامانوس کمتر استفاده شده، هر چند که بر خلاف متن، مقدمه آن دارای نثر مسجع، همراه با تلمیح به آیات و احادیث و دعاهاست. اسفراینی در مقدمه ترجمه در مورد علت نگارش آن می‌نویسد: «چون در کار ترجمه قرآن به پارسی تا روزگار مترجم، خلل بسیار وجود داشته مبادرت به ترجمه‌ای از قرآن شریف کردم تا از نقصها و عیوب ترجمه‌های پیشین مبرا باشد. ترجمه‌ای که در آن الفاظ پارسی معنای کامل و دقیق الفاظ تازی را برساند و موافق نظریات مفسران و بر طبق اصول دیانت باشد و از هر گونه تاریکی که موجب تقلیل و تشبیه شود و یا چیزی از مذاهب الحلا را نصرت دهد به دور باشد و بر اسلوس راست و مستقیم طریقت اهل سنت و جماعت انجام گیرد و به سبب همین ویژگیها بود که آن را تاج التراجم فی تفسیر للاعاجم نامیدم.» در حال حاضر نسخه خطی این ترجمه متعلق به قرن ۹ هجری به طور ناقص در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری و ۱۳ میکروفیلم از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

نمونه ترجمه :

سوره حمد

ابتدا کردم به نام خدای قادر بر آفرینش خلقتان، خواهان روزی دادن خلقتان، خواهان آموزش ایشان.

سپاس خدای را، پروردگار همه خلقتان (۱)

روزی ده خلقتان جهان، خواهان نعمت بر مومنان (۲)

خداوند روز جزا دادن (۳)

تو را پرستیم و از تو باری خواهیم (۴)

بنمای ما را به راه راست (۵)

راه آن کسانی که نعمت کردی برایشان نه آن کسی که خشم تو اندر ایشان رسیده است و نه کسی که بیراه

گشته‌اند (۶)

۷- تفسیری بر عسری از قرآن مجید:

این کتاب ظاهراً جلد ششم تفسیر بزرگی است که مشتمل بر ده جلد بوده است و آنچه از آن باقی مانده، تنها همین یک جلد است که شامل آیه ۷۶ سوره کهف تا اواسط آیه ۲۳ سوره فرقان می‌شود. زمان نگارش کتاب معلوم نیست ولی دکتر جلال متینی با احتیاط آن را متعلق به پایان نیمه اول قرن ۵ دانسته است. چرا که تا آن زمان هنوز نگارش به زبان فارسی از نفوذ گرایش‌های محلی در امان نبوده به صورت مشخص و متحد الشکلی در نیامده بود. از این رو در همه کتابهای حوزه خراسان، از یک سو گویش عمومی خراسان بزرگ پدیدار است و از سوی دیگر آثار گویش بخش‌های خراسان را می‌توان در آن ترجمه‌ها دید. اما این ویژگیها برای تعیین تاریخ نگارش این کتابها، ابزار کافی و نیرومندی نیست. با این همه گاه محقق امید می‌بندد که بر حسب درجه پختگی و استحکام ساختار دستوری، محدوده زمانی اثر را حدس بزنند. اگر اطمینان پیدا کنیم که متون کهنه ما دستکاری نشدند این کار علی‌رغم خطر و دشواری فراوان آن، تاحدی معقول به نظر می‌رسد. در مورد این کتاب، خطر تحریف بسیار اندک و شاید نامحتمل باشد. از این رو با توجه به نثر پخته و استوار کتاب و قاطعیت مترجم در گزینش معادل‌های فارسی، بهتر است که این ترجمه را پس از تفسیر طبری، پاکه و کمبریج قرار دهیم. شاید بتوان گفت که به طور کلی ساختارهای نحوی در این کتاب نسبت به بسیاری از آثار مشابه به سبک مقبول فارسی نزدیکتر است. جمله‌های شرطی و موصولی و نظایر آنها به گونه‌ای مطمئن تر و یکنواختتر عرضه شده‌اند. عباراتی هم که به شدت تحت تاثیر نحو عربی قرار دارند یا عیناً از آنها گرفته برداری شده‌اند و یا جملاتی‌اند که در آنها خارج از تاثیر مستقیم متن بیگانه خود به خود و در فضای جدید جابه‌جایی‌های تندی صورت گرفته است.

اما این شیوه، قاعده کلی نثر کتاب نیست، بلکه قاعده کلی، روان‌نویسی، پرهیز از پیچیدگی و پیروی از ساختار نحوی ظاهراً معمول در زبان عموم مردم بوده است. به طور کلی ترجمه متون مقدس قرآن در این کتاب از ترجمه‌های پیشین روانتر و عبارات فارسی که ساختمان نحو عربی دارند در آن اندک‌تر است.

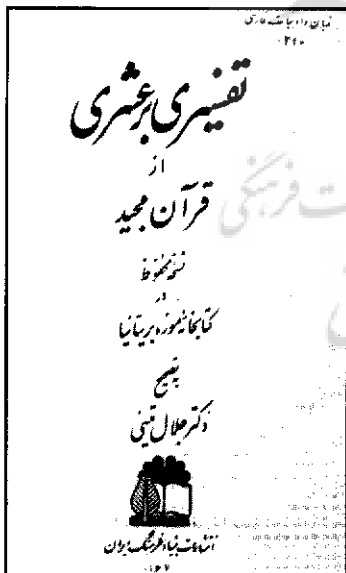
حتی دیده می‌شود که گاه مترجم به خود جرات داده و از چارچوب لغوی - نحوی آیه تا حدودی بیرون آمده است، اما با این وجود، اصولاً مترجم همین که به نکات دقیق رسیده، معنی جمله را دقیقاً مراعات کرده و باز به نحو عربی بازگشته است.

نمونه ترجمه :

سوره حج آیات ۱ تا ۴

بسم الله الرحمن الرحيم

یا فرزندان آدم علیه‌السلام، بترسید از خدای عزوجل، و به جای آرید فرمانهایش را، و به جای مانید نپیهاش





قرآن مجید پارس

مکرمی روانی

راه، که زلزله قیامت چیززی عظیم است(۱)

آن روز ببینید که زنان شیرده، چون مشغول گشته باشند از فرزندان شیرخواره، و همه باردار، بارها بیفگند، ببینی آن روز آدمیان را همچون مستان گشته، و نباشند ازیشان بمی مست، ولیکن پای واه خدای عزوجل چیززی صعب باشد(۲)

از مردمان (مکه) کس است که با تو داوری کند اندر شناخت خدای عزوجل، بی‌دانشی، این (شخص) فرمان بردار هر دیوی است که آن دیو مرید است اندر گناهان(۳)
نیشته آمدست برین دیو که هر که با وی دوستی گیرد و فرمان بر داوری گردد، این دیو مرویرا بی‌راه گرداند و راه نمونیش کند به سوی آتش تاخته(۴)

۸- ترجمه قرآن موزه پارس:

این ترجمه که از سوره مریم (منهای چند آیه از آن) تا پایان قرآن را در بردارد، از هر گونه تفسیری خالی است و مانند بسیاری از ترجمه‌ها، کلماتی است که یک به یک زیر الفاظ قرآنی نوشته شده‌اند. دکتر علی رواقی این ترجمه را متعلق به اوائل قرن ۵ هجری دانسته است. بدون هیچ تردیدی این ترجمه را باید در زمره ترجمه‌های حوزه خراسان دانست. آثار گویش محلی در ترجمه پارس بسیار آشکار است. همچنین این ترجمه از نظر گویش خراسان در کلمات معروف و هم از نظر واژگان، با ترجمه تفسیر طبری، شباهتهای بسیاری دارد. وضعیت این کتاب به شکلی است که می‌توانیم تمام آنچه را درباره قرآن شماره ۲ گفتیم، در اینجا نیز تکرار کنیم.

نمونه ترجمه:

سوره طه آیات ۱ تا ۶

به نام خدای مهربان بخشاینده

می سوگند یاد کند خدای به محمد(۱)

که نفرستادیم ما فرتو قرآن را، تا تورنج بر خود نهی(۲)

نفرستادیم آن را مگر پند دادنی، آن کس را که بترسد(۳)

فرستادن اوسخون گفتن آن کس است که بیافرید زمین را و آسمانها را و فرهمه فرتو است(۴)

خدای زفر عرش استور می‌کرد(۵)

او راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین و آنچه میان هر دوست و آنچه زیر هفتم زمین است(۶)

۹- تفسیر شنقشی:

متأسفانه از این کتاب بیش از یک سوم آن برجای نمانده و آنچه در دست است عبارت است از سوره‌های آل عمران، نساء، اعراف و انفال به طور کامل و بخش‌هایی از سوره‌های فاتحه، بقره، مائده، انعام، توبه و یونس. اطلاعات مشخصی از کسی که این قرآن را به فارسی بازگردانده است وجود ندارد. همچنین نظر قاطعی در مورد زمان ترجمه آن ابراز نشده است. دشواری کار از آنجا برمی‌خیزد که اولاً کتاب به کلماتی با لهجه معروف خراسانی آکنده است و ثانیاً پایه اصلی نثر فارسی آن را ساختارهای عربی قرآن تشکیل می‌دهد و ما می‌دانیم که ترجمه فارسی آیات الهی به شیوه‌ای است که غالباً با شیوه گفتار و نوشتار عموم مردم متفاوت است و ثالثاً تردیدی نیست که این مترجم از ترجمه‌های کهن‌تر قرآن کاملاً آگاه بوده و بعضاً از آنها بهره‌برداری کرده است. به این ترتیب اگر مترجمی خراسانی، به شیوه معمول ترجمه‌ها و تحت تاثیر واژگان و اسلوب آنها قرآن را به فارسی برگرداند دشوار می‌توان او را در فاصله زمانی قرن چهار تا شش، در زمان مشخصی قرار داد. با این حال گروهی از پژوهشگران، با توجه به کثرت کلمات عربی در این کتاب، نظر بر این مسأله دارند که این ترجمه به قرن ششم تعلق دارد. در کتاب حاضر، به خوبی آشکار است که گرایش به عربی، در متن ترجمه‌ها بسیار کمتر است تا در متون تفسیری. البته متن کتاب مذکور، ترجمه خالص قرآن نیست و از همان نوع ترجمه‌هایی است که گویی مولف بیشتر قصد تفسیر داشته است تا ترجمه از این رو بعد از هر یک از الفاظ و عبارات قرآنی، چندین کلمه و یا جمله در تبیین و تفسیر آنها افزوده شده و کوشیده است از مجموعه آنها کلامی واحد تبارک ببندد. در درون متن تفسیر شنقشی، عباراتی که در واقع ترجمه‌های قرآن هستند گاه به نحو چشمگیری به ترجمه‌های قبل از آن شباهت دارد. اما مترجم کوشیده است تا ترجمه‌های کهن را از دو جهت اصلاح کند. یکی آنکه وی بر حسب دانش یا مذهب خویش، برخی کلمات پرمعنی و حساس را تغییر می‌دهد تا مفهومی را که خود مورد نظر داشته به ترجمه ببندد و دیگر آنکه گاه ساختار عبارات را اصلاح می‌کند و مثلاً فعلی را که در آغاز آمده به آخر جمله منتقل می‌کند و یا به جمله‌ای که اصلاً فعل ندارد فعلی می‌افزاید.

نمونه ترجمه:

سوره حمد آیات ۱ تا ۴

ابتدا کنم بنام یک خدای بی‌همتا و بی‌هناز، بی‌زن و بی‌فرزند، سزاوار آنک وی را پرستند و شخاینده بر



نیک و بد، بروزی دادن اندرین جهان و شخاینده بر مومنان خاصه، بامرزش اندران جهان شکر و سیاس وحدانیت و ربوبیت و الهیت یک خدای راست، بی همتا و بی همنابز، بی زن و بی فرزند، سزاوار آنک وی را پرستند آفریدگار همه خلق (۱)

وشخاینده برنیک و بد، بروزی دادن اندرین جهان و شخاینده بر مومنان مخلصان خاصه، بامرزش اندر جهان (۲)

پادشاه و داور روزشمار کردن و جزا دادن (۳)

بتو برویده ایم و ترا پرستیم ای بار خدای ما، طاعتها را بگزاریم وز معصیتها پرهیز کنیم و بنعمت‌ها شکر کنیم و بمحنتها صبر کنیم (۴)

(از اینجا به بعد تا آخر سوره افتادگی دارد و موجود نیست)

۱۰- کشف الاسرار و عده الابرار:

این تفسیر که به تفسیر خواجه عبدالله انصاری مشهور است، در سال ۵۲۰ هجری توسط ابوالفضل رشیدالدین میبیدی تالیف شده است. در این تفسیر آیات قرآن در سه نوبت مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در نخستین نوبت فقط به ترجمه تحت‌اللفظی آیات اکتفا شده در نوبت دوم بحث درباره قرائت کلمات و نکات لئوی و صرفی و نحوی و اخبار و احادیث مربوط به آیات و شان نزول آنها می‌شود و در نوبت سوم آیات را به مذاق عارفان و صوفیان توجیه می‌کند. مولف در مقدمه کتاب خویش می‌گوید که او تفسیر خواجه عبدالله را مطالعه کرده و چون آن را در نهایت ایجاز یافته، درصدد شرح و بسط آن برآمده تا فهم آن آسان شود. این کتاب گنجینه گرانبهای از لغات، امثال و تشبیهات و تعبیرات فارسی است. در این کتاب همان بحثهایی که در تفاسیر عربی به زبان عربی می‌شده، به زبان شیرین و روان فارسی ادا شده و حتی اخبار و احادیث و اشعار هم در بیشتر موارد به زبان فارسی ترجمه شده است. به خصوص در نوبت اول کاملاً دقت و توجه شده تا کلمه فارسی که در ترجمه به کار رفته، با کلمه عربی آن برابر باشد تا رعایت امانت در سخن خداوند شده باشد. یکی از نکات جالب و مورد توجه این کتاب آن است که مترجم کوشیده تا حتی الامکان در برابر کلمات عربی از کلمات فارسی استفاده نماید. به همین منظور اگر روزی لغات قرآنی این تفسیر و معنی فارسی معادل آن به صورت مجموعه‌ای گردآوری شود، آن کتاب از نظر لغت، مجموعه‌ای ارزشمند خواهد بود. کتاب حاضر بالغ بر ده جلد می‌باشد.

نمونه ترجمه:

سوره فتح آیات ۱ تا ۴

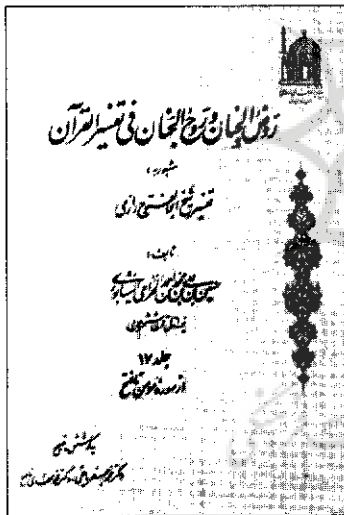
به نام خداوند فراخ بخشایش مهربان

ما برگزاردیم ترا حکم و برگشادیم ترا داوری، بر گشادی بی‌شبهت و برگزاری بر خیرت بی‌تهمت (۱)

تا الله بیمارزد ترا، هرچه گذشت از گناه تو و هرچه با پس ماند و تمام کند بر تو نیکویی خویش که کرد و راه مینماید ترا براه راست (۲)

و یاری دهد خداوند ترا یاری دادنی بزرگ به نیروی (۳)

الله آنست که فرو فرستاد آرام در دل‌های گرویدگان، آنرا تا ایمان افزایشد با ایمان خویش که دارند. خدای راست سیاههای آسمان و زمین و الله دانایی است راست کار (۴)



۱۱- روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن (تفسیر ابوالفتوح رازی):

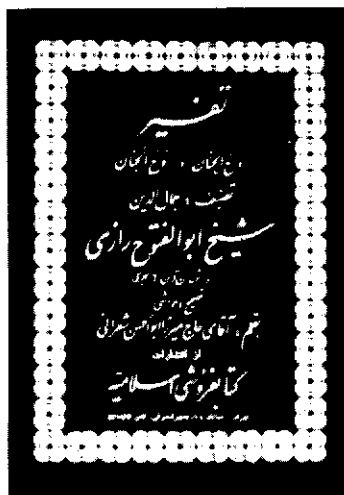
این تفسیر که از گنجینه‌های گرانقدر زبان فارسی به شمار می‌آید، در دهه‌های دوم و سوم قرن ششم (پیش از سال ۵۲۳ هجری) تالیف شده است. یعنی هنوز چند سالی از نگارش کشف الاسرار میبیدی نگذشته بود که یکی دیگر از تفاسیر بزرگ فارسی در آغاز سده ۶ پدیدار گشت. به سبب همین نزدیکی زمانی، می‌توان حدس زد که ابوالفتوح رازی از تفسیر کشف الاسرار اطلاعی نداشته است. این تفسیر از همان زمان نگارش شهری شهرتی فراوان یافت و به همین دلیل نسخه‌های متعددی از آن تکثیر شد و ناسخان آن، گاهی از سر بی‌دانشی و گاهی از روی حسن نیت، در متون آن تغییراتی ایجاد می‌کردند! نکته جالب توجه آنکه در نسخه‌های متأخرتر، تحریف اساساً در ترجمه آیات الهی صورت گرفته است و نه در متن تفسیر، هر چند که بدیهی است تفسیر هم از گزند دستکاری‌های ناسخان در امان نمانده است. نکته‌ای که در تفسیر ابوالفتوح دیده می‌شود و در دیگر متون قرن ۶ هم به خوبی قابل مشاهده است، رواج خلط کردن جمله‌های عربی و فارسی در یکدیگر است.

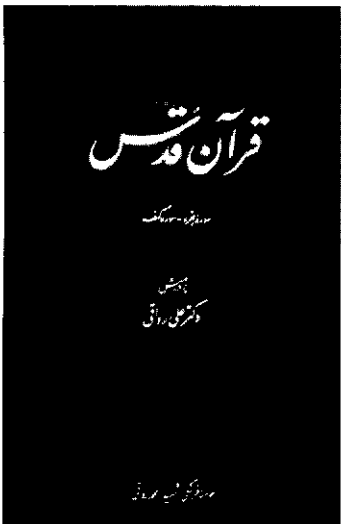
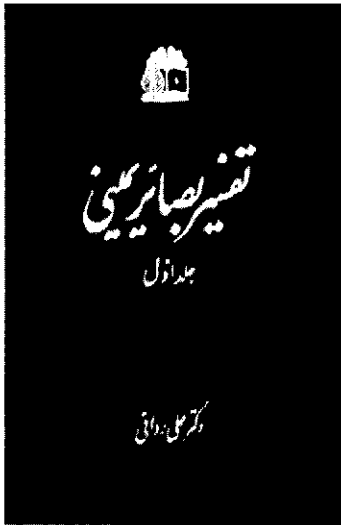
نمونه ترجمه:

سوره آل عمران آیات ۱ تا ۵

به نام خداوند بخشاینده مهربان

الم (اسم سوره است یا غیر آن) (۱)





خدای نیست مگر او زنده پاینده (۲)

فرستاد بتدریج بتو آن را برآستی باور دارنده است آنچه را که پیش از وی بوده است و فرستاد توره را و کتاب عیسی را (۳)
از آن پیش راه نماینده بود هر آن دو امت را و فرو فرستاد کتاب آنان که نگرویدند به کتابهای خدای
مرایشان راست عذابى سخت و خدای غالب است خداوند (۴)
به درستی که خدای پوشیده نشود بر او چیزی در زمین و نه در آسمان او آن کس است که صورت
کند شما را در رحمها بر حالتی که می‌خواهد هیچ خدایی نیست مگر او درست کار و درست
گفتار (۵)

۱۲- تفسیر بصائر مینی:

این کتاب تألیف معین‌الدین محمد بن محمود نیشابوری است که در قرن ۵ و ۶ به نگارش در آمده است. (کتاب بصائر چند سال بعد از مرگ بهرام شاه غزنوی که حدود ۵۵۲ هجری رخ داده، تألیف شده است) در ارتباط با این ترجمه نکات چندی را می‌توان یادآور شد:
الف - نثر کتاب با دستور زبان فارسی انطباق فراوان دارد. فاعل در آغاز جمله، سپس متعلقات جمله و آنگاه فعل، قرار می‌گیرد.

ب - در بسیاری از عبارات، تاثیر نحو عربی کاملاً آشکار است.

ج - ساختار جملات در ترجمه‌های قرآنی به هیچ وجه با متن کتاب قابل مقایسه نیست و در آنها بیشتر کلمات هستند که به فارسی ترجمه شده‌اند و نه خود جمله. این امر نیز زائیده سنت سیصد ساله‌ای بود که تقریباً بر تمام ترجمه‌های قرآنی چیرگی داشت. با این همه، در غالب ترجمه‌های قرن ششم ملاحظه می‌کنیم که مترجمان در پاره‌ای موارد ترجمه کلمه به کلمه را که نامفهوم بوده است، اندکی مفهوم می‌کرده‌اند.

د - نثر ترجمه‌های قرآنی با نثر بقیه کتاب، نه تنها از نظر ساختار، که از نظر واژگان نیز تفاوت بسیار دارد. نثر ترجمه‌ها که بی‌تردید تحت تاثیر یک ترجمه کهن و یا تحت تاثیر سنت عمومی ترجمه‌های قرآنی است، انبوهی از کلمات فارسی کهن را در بر دارد.

ه - معانی کلمات دیگر در قالبهای فارسی خود تاب پایداری ندارند و به سرعت هر چه تمامتر در قالبهای عربی جای می‌گیرند.

نثر بصائر که به طور کلی ترجمه منابع عربی است روی هم رفته روان و فارسی صحیح است و جمله‌های عربی مانند در آن اندک است.

نمونه ترجمه :

سوره حمد

آغاز کنیم به نام خداوند بخشاینده مهربان

سپاس و ستایش مر خدای را که پروردگار جهانیاست (۱)

بسیار رحمت و پیوسته رحمت (۲)

خداوند روز پاداش (۳)

ترا پرستیم و از تو یاری خواهیم (۴)

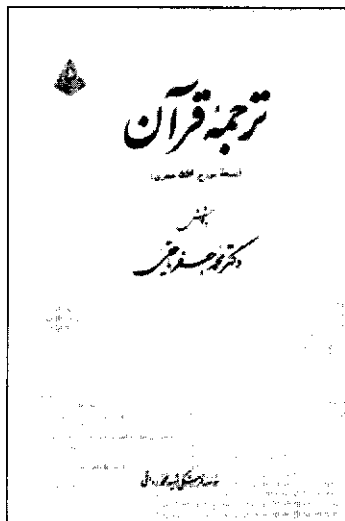
بمانمای راه راست را (۵)

راه آن کسانی که نیکویی کرده‌ای به جای ایشان، نه راه آن کسانی که بریشان خشم آورده‌ای و نه راه گمراهان (۶)

۱۳- قرآن قدس:

این ترجمه، احتمالاً قدیمی‌ترین ترجمه کشف شده به فارسی است که در دو جلد انتشار یافته است. بنابه قرائن و امارات زبان‌شناسی، زمان کتابت آن بین سالهای ۲۵۰ تا ۳۵۰ هجری قمری است. ترجمه آن فارسی روان و تحت‌اللفظی است که به زبان منطقه سیستان شباهت دارد. دکتر علی رواقی که این قرآن به کوشش ایشان منتشر شده است، در مقدمه این کتاب می‌گوید: «ترجمه قرآن قدس، یکی از کهن‌ترین برگردانهای قرآن است به فارسی. هم نمونه‌ای روشن از یک ترجمه بسیار دقیق و آگاهانه از قرآن است و هم نموداری است از نیاز و توجه دیرینه مردم این سامان به برگردان قرآن به زبان فارسی. ارزش تاریخی-اجتماعی بیشترین ترجمه‌های کهن قرآن بر ارزش زبانی آنها می‌چربد اما این ترجمه گرانسنگ، همچنان که از نگاه تاریخ ترجمه قرآن به زبان فارسی دارای اهمیت بسیار است، از نظر تاریخ زبان نیز از ارزشهای ویژه و کم‌مانندی بهره‌ور است.»

متأسفانه قسمتهایی از این قرآن در ابتدا و انتهای آن، افتاده است.



نمونه ترجمه :

سوره آل عمران آیات ۶ تا ۹

به نام خدای مهربان رحمت کنار

سوگند به الف و لام و میم (۱)

خدای نیست خدای، مگر اوی زنده‌ی پاینده (۲)

فرود کرد و تو کتاب به حق راست کر گرفتاران رای پیش آنست (۳)

کافر شدند به آیتهای خدای، ایشان را عذابی سخت بهد. خدای عزیز است. خداوند داد و از آوردن (۴)

خدای پنهان نشهد در وی چیزی در زمین و نی در آسمان (۵)

اوی اویست، می نگارد شما را در رحمها چون خواهد. نیست خدای مگر اوی عزیز درست کار (۶)

۱۴- ترجمه قرآن (قرآن ری):

این ترجمه، در نسخه‌های بسیار کهن در تاریخ ۵۵۶ هجری قمری، در یکی از کهن‌ترین نسخه‌های فارسی، به دست آمده است. ترجمه استوار و دقیق این اثر که نشانه‌های بارزی از لهجه رازی در قرن ششم هجری را دربردارد از مشخصه‌های این اثر است. هر چند که گروهی از کارشناسان اعتقاد دارند این ترجمه باید از روی قرآن کهن‌تری استنساخ شده باشد. محدوده زمانی که قرآن ری در آن به فارسی ترجمه شده است بدون شک یکی از پربارترین دوره‌های ترجمه و تفسیر قرآن بوده است و شاید همین نزدیکی زمانی، باعث شده تا مترجمان از کار یکدیگر آگاه نشده و یا از بیم تقلید، به طور مستقیم از آنها استفاده نکرده باشند، هر چند که در کتب ترجمه‌ها، از نظر معنی‌شناسی، شباهت‌های بسیاری مشاهده می‌شود. در این کتاب، جز ترجمه خالص قرآن، ترجمه یا متنی دیگر دیده نمی‌شود، هر چند که ترجمه ارائه شده نیز، ترجمه تحت‌اللفظی است. با این همه مترجم در ترجمه قرآن خود را آزاد گذاشته و در بسیاری از موارد ترجمه‌ای آزاد از قرآن ارائه داده است. دکتر محمدجعفر یاحقی، که تصحیح این قرآن را به انجام رسانده، در مقدمه کتاب آورده است: «از میان قرآنهای مترجم کهنی که از دیرباز بر حرم مطهر حضرت ثامن‌الحجج وقف شده، قرآنی است که در سیزدهم صفر سال ۵۵۶ ه.ق بر دست ابوعلی بن الحسن بن محمد بن الحسن الخطیب در قریه کهکابر ری تحریر یافته است و در میان دیگر قرآنهای مترجم چون نگینی می‌درخشد. نخست از نظر قدمت و داشتن ضمایم و یادداشتهای تاریخی مفید و دیگر از حیث ترجمه‌ای بسیار استوار و دانشمندانه که گذشته از لغات پارسی خوب، برخی نشانه‌های لهجه مترجم را نیز دربردارد، و به ملاحظه اینکه برخلاف بسیاری از قرآنهای دیگر، کامل است و همه مشخصات لازم برای شناسایی آن در دست می‌باشد، از اهمیتی دو چندان برخوردار است.»

نمونه ترجمه :

سوره حمد

به نام خداوند روزی ده و مهربان و بخشاینده عاصیان

سپاس خدای را، آفریدگار جهانیان (۱)

روزی ده بخشاینده (۲)

پادشاه روز رستخیز (۳)

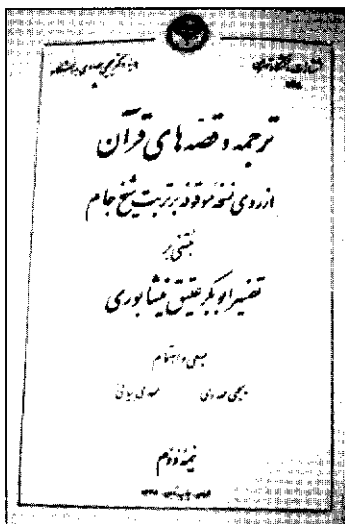
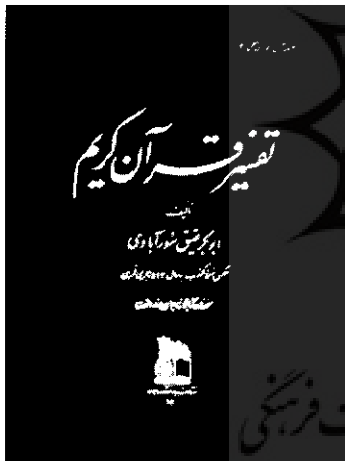
ترا خواهیم پرستیدن و خواهیم از تو یاری (۴)

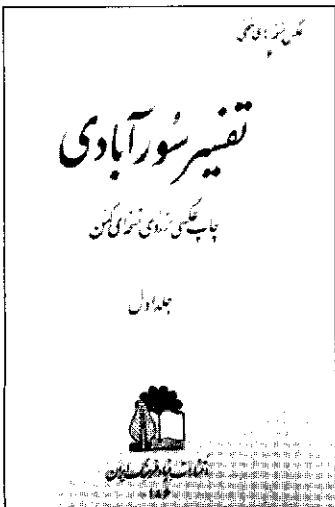
نمای ما را راه راست (۵)

راه آن کسانی که نعمت کردی و ایشان، نه راه آنها که خشم گرفتی و ایشان، و نه راه گمراهان (۶)

۱۵- ترجمه و قصه‌های قرآن (تفسیر سورآبادی):

در سال ۱۳۳۸ بخش اعظم ترجمه و قصه‌های قرآن از روی نسخه تربت شیخ جام به چاپ رسیده بود که مصححان دریافتند این کتاب تلخیصی از تفسیر بزرگ ابوبکر عتیق نیشابوری است. پس از ۹ سال مرحوم دکتر یحیی مهدوی همه داستانهای قرآن را از آن تفسیر بیرون کشید و تحت عنوان قصص قرآن مجید منتشر ساخت. ظاهراً نسخه تربت شیخ جام بر نسخه تفسیر آن مزیت دارد و به نگارش اصلی ابوبکر عتیق نیشابوری نزدیکتر است، زیرا خصوصیات لغوی و گویشی در بعضی نسخه‌های تفسیر جسته و گریخته دیده می‌شود، حال آنکه در نسخه تربت شیخ جام، تقریباً مستمر و یکنواخت است. ابوبکر عتیق در مقدمه تفسیر خود توضیح می‌دهد که چرا قرآن کریم و تفسیر آن را به فارسی برگردانده است: «کسی که تفسیر کتاب خدای عز و جل خواهد خواندن، وی را مقدماتی از پیش بیاید دانستن و آن چهارده چیز است... بدانید عزیزان من که ما این تفسیر را از





بهر آن به پارسی کردیم که از ما چنین خواستند تا نفع آن عام‌تر بود و نیز تا خوانندگان بتوانند کرد قرآن را به عبارت پارسی، چه اگر به تازی کردیمی، آن را معلمی دیگر بایستی تا ترجمه مطابق و موافق بودی.»
واژه‌های این کتاب در متن داستانها، به کلی با متن ترجمه‌ها متفاوت است. شاید این تفاوت به دلیل آن است که ابوبکر عتیق، تفسیر و داستان را به زبان معمول در عصر خویش نوشته، اما در ترجمه‌ها، به شدت تحت تاثیر ترجمه قرآن در ترجمه‌های خراسانی بوده است، به شکلی که چندین کلمه فارسی کهن و حتی مهجور این ترجمه را عیناً در ترجمه‌ای مانند ترجمه تفسیر طبری می‌بینیم. با این همه، اگر نثر این کتاب را، با نثر ترجمه تفسیر طبری مقایسه کنیم، به آسانی در می‌یابیم که چگونه در زبان فارسی، پس از گذشت یک قرن و نیم ساختار عبارات اندکی تغییر کرده و برخی کلمات کهن از میان رفته، انبوهی کلمه و اصطلاح عربی به زبان فارسی وارد شده است.

تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری، با نام تفسیر سوراآبادی نیز خوانده شده است.

نمونه ترجمه ۱-:

ترجمه و قصه‌های قرآن
سوره حج آیات ۱ تا ۴

ای مردمان بترسید از خدای شما، بدرستی که زلزله قیامت چیزی بزرگست (۱)
آن روز که ببینید آن را مشغول ماند هر شیردهنده‌ای از آنچه می‌شیر دادی و بنهد هر خداوند باری بار خود و بینی تو مردمان را مستان و نباشند ایشان مستان ولکن عذاب خدای سخت است (۲)
و از مردمان کس هست که پیکار کند در خدای بی‌دانش و پس رد می‌کند هر دیوی ستبیه‌ای را (۳)
قضا کرده‌اند بران و نبشته که هر که با وی دوستی دارد، وی او را گم کند و بکشد او را به عذاب سوزان (۴)

نمونه ترجمه ۲-:

تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری

سوره حمد

به نام خدای سزاوار پرستش، آن مهربان به روزی دادن، آن بخشاینده به گناه آمرزیدن
سپاس و ستایش خدای را سزد خداوند و مهتر و پروردگار جهان و جهانیان (۱)
آن مهربان، آن بخشاینده (۲)
پادشاه روز شمار و قضا و جزا و پاداشت (۳)
ترا پرستیم و بس و یاری از تو خواهیم و بس (۴)
نموده می‌دار ما را راه درست و راست و بایسته (۵)
راه آن کس‌هایی که نیکو داشت کردی ایشان را، نه راه آن کس‌هایی که خشم گرفتی بریشان و نه نیز راه آن گمراهان (۶)

۱۶- تفسیر نسفی:

این ترجمه اثر ابوحفص نجم‌الدین عمر نسفی، فقیه، مفسر، مورخ و شاعر قرن پنجم هجری است (۴۶۲-۵۲۸) سبک نگارش در این ترجمه به شکلی است که بسیار به شعر شباهت دارد. این ترجمه، چنان با تفسیر آمیخته است که در حقیقت باید عنوان آن را ترجمه - تفسیر نامید. کتاب از لحاظ زبان‌شناسی و بررسی‌های واژگانی به سبب نثر کهن و زیبایی که دارد، مورد توجه است. این تفسیر با تصحیح دکتر عزیزالله جوینی در دو جلد منتشر شده است.

نمونه ترجمه:

سوره حمد

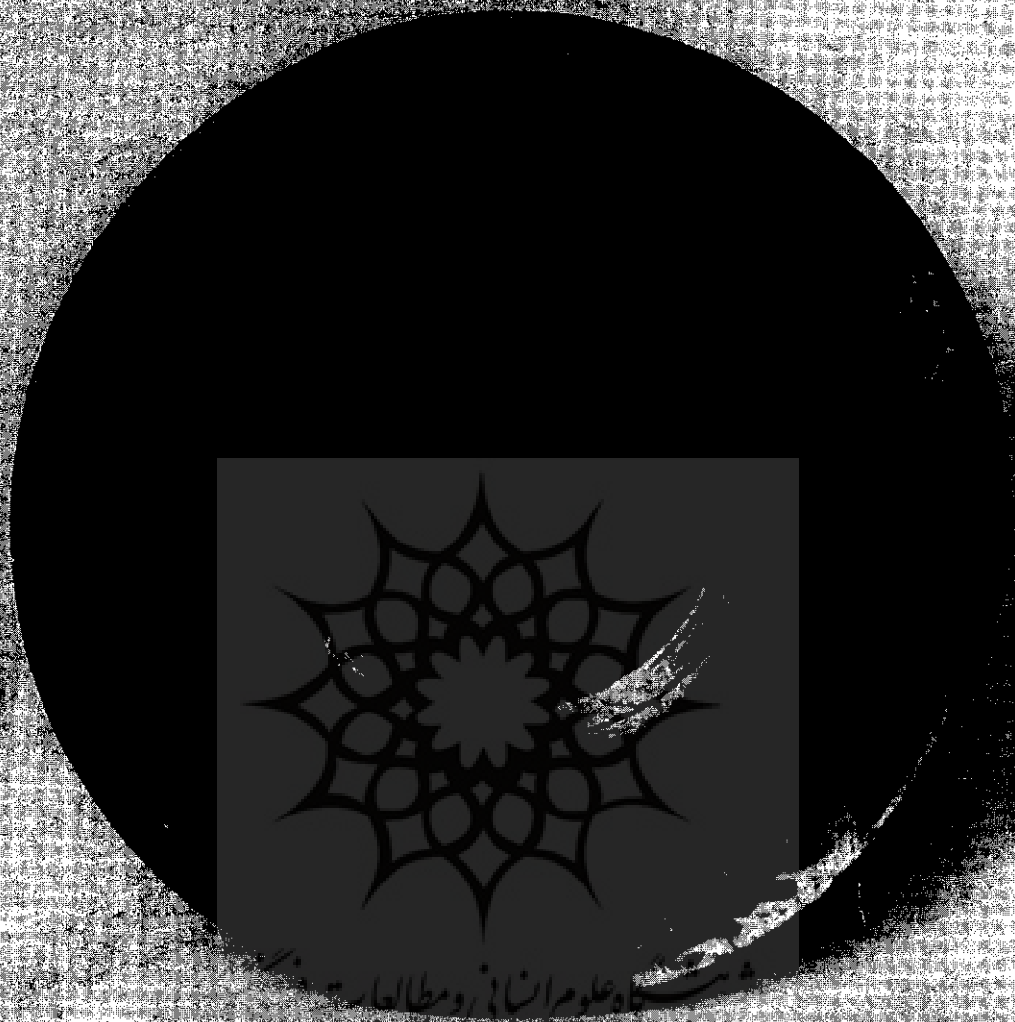
آغاز کردم به نام خداوند روزی‌دهنده آمرزنده
سپاس مر خدای را که آفریدگار و پروردگار و سازنده کار جهانیان است (۱)
روزی‌دهنده همه جانوران است، بخشاینده بر همه عاصیان است (۲)
پادشاه روز قیامت است، که در وی شمار و جزا و حکم و سیاست است (۳)
ترا پرستیم و از تو یاری خواهیم (۴)
بدار ما را بر راه راست، که راه انبیاء و اولیاست (۵)
راه آنها که به ایشان انعام کرده‌ای و نعمتها برایشان تمام کرده، نه بر راه آنها که اهل انتقام‌اند و نه راه آنها که گمراهانند و نه راه هواداران (۶)

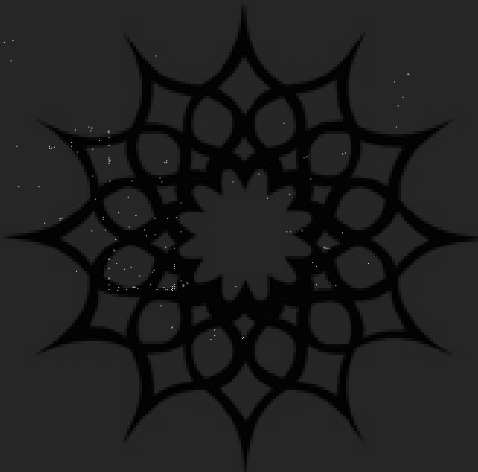


این تصویر که در کتاب «تاریخ اسلام» درج شده است
تقریباً در سال ۱۳۰۰ هجری قمری در ایران
تولید شده و در آن زمان در ایران
من کتب کوفی الفقهیه
همین را آن زمان است (من کتب کوفی الفقهیه)



پرتال جامع علوم انسانی





شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی